

پهار هیز موجب تزلزل رحمت الهی است :

رسول گرامی اسلام فرموده : درهای رحمت الهی ، در چهار وقت باز می شود (۱)
هنگام تزلزل باران ، وقتی فرزندی از راه محبت به سیمای پدرش ننگد ، هر
زمانی که در آب کعبه گشوده شود (۲) در هنگام ازدواج و نکاح .

اما اگر مناده آفریده ، اگر شحقی رای خواستگاری دختر شما آمد که دین و اخلاق
خوب داشت ، بپذیرید و فقرمائی نباید مانع ازدواج شود چون خداوند قرآن می فرماید :
اگر فقیر باشد آنان را از راه لطف و کرشمش عتی می سازد .

معایب های همسر زنی

ازدواج در اسلام مسئولیت بزرگ الهی ، انسانی و اجتماعی است . اما شرایط
آن خیلی دقیق و حساس است . در انتخاب همسر باید نهایت دقت و
توجه انجام گیرد . کسی را می خواهیم انتخاب کنیم که یک عمر در کنار او بماند
زندگی کنیم . از روی احساسات و بدون دقت و مشورت پسیمیایی و حساسیت
آفر است . در دین ما (۱) اصالت خانوادگی (۲) تقوا و دین داری و اخلاق نیکو
و ... از بارزترین است .

(۱) یکی از مهمترین شرایط همسر حزب اصالت خانوادگی است منظور از اصالت
و حرافت خانوادگی ، شهرت و پول و موقعیت اجتماعی نیست ، بلکه منظور
نجابت و پاکیزگی و متدین بودن پدر و مادرش . رسول اکرم (ص) می فرماید : **نیک نگر که**
ضرر زدن را در کجای از می دهی ، از بر لطف و ثواب ها و خصوصیات ارشی با خواه تا خواه
منتقل می شوند و تا شیر گذارند .

بارها فرمودند : از سزاهای قسطنطنیه که اوی هزار بارها رسیده می کشد ، با سر هیزید
و رسیدند . مقصود بدان چیست ؟ فرمودند : دختر زیباری که در خانواده ناکسندی
یا بدی رسیده است ،

فرزند آن آن از نظر ویژگی های حیسی و روحی ، بیشتر به برادر از زن شباهت
پیدا می کند ، البته بعضی از صفات خانوادگی با اصالت و با شرافت رفتاری گنبد
اما بر عکس آنجا حرکت می کنند ، پیراهن می روین پس علت نام نمی تواند باشد .

پس ترجیح (۲) نوری و دین داری
یکی از مهم ترین ملاحظات همسر خوب
از دیدگاه قرآن ایمان و پاکیزگی است ؛ کسانی که پای بند به دین داری و ارزش های الهی
هم نرسیده و رعایت حدود الهی را ندارند ، سعادت عندی قطعی نمی باشد .

مباحث مربوط به امور جنسی صفحه ۳

۱) عفت و پاکدامنی: عفت یعنی قوه شهوانی انسان کارهای خود را بر اساس دستورالعمل عقل و خرد انجام دهد. تعین اعتدال در بهره‌مندی از شهوات و عفت، به کسی گفته می‌شود که در حد اعتدال و در چهار خوب عقل و شمع، از شهوات و سروی می‌کند و از اضراط و تقریط جلوگیری می‌کند. عفت در سه مرتبه جنسی، پاکدامنی، گویند: و این از بزرگ‌تری فضایل و زیباست هائلی اخلاقی است.

اما عفت به: هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده‌اش را بخواهد، در برابر عده‌های حرام عفت شکم و در برابر مقررهای جنسی، عفت جنسی را می‌دهد.

اما باقریه: هیچ عبارتی برتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست. پاکدامنی و عفت در دوران جوانی بسیار ارزشمند است. رأس هر خیری عفت است. مانند حضرت یوسف (ع) که غوغا بر حبه عفت و پاکدامنی نمود.

در یک فضایی که کاملاً آماده و مهیا بود، درهای اتاق هابه بسته بود و زلیخا بود (حضرت یوسف (ع)): اما حضرت اهل عفت و پاکدامنی بود. وقتی از مجلس گناهانه فرار کرد. شاه طاهر صلی الله علیه و آله و سلم در راهی که او می‌رفت و او به سلامت عبور کرد و خداوند برای خاطر علم تفسیر خواب و یار شاهی راه را داد.

۲) اما اسحاق (ع) در دعایش عرض می‌دارد: خدایا مرا با عفت زیبا کن و سواد را فرستاد: کسی که عفت باشد قوا به حاله در راه خدا را دلیر و کسی که در راه خدا می‌خندد و به شهوات می‌رسد، مقامش بالاتر از کسی نیست که عفت می‌ورزد و کسی که عفت و زهد با فرشته‌زمنی است.

ما اسما عفا غریبه جنسی داریم: اگر فلیم مهرکی، نوار مهرکی و سوسنی مهرکی و صحنه حرام را مشاهده کنیم این غریزه طوفانی می‌شود. عفت: خوشبختانه، یعنی غریزه را از راه حرام تا مین نگردان. انواع عفاف

۱) عفاف جنسی: عفاف و زینت در زمانی که زنیه از اوج آمادگی است خانم‌هایی هستند که نام می‌نویسند و رنگ می‌زنند که من ۳۷ ساله‌ام. ۳۸ ساله‌ام. و از اوج نکرده‌ام، شراب و مهیا نشده‌ام باید بکنم. قرآن کریم می‌فرماید: عفت بورید این محو غریزه است که شما به سمت ریشیا نامشروع حرکت کنی: چرا که اگر عفت نوزاد بیمار می‌کود و بیمارش قابل کنترل نخواهد بود. گویا از غریزه‌ای که نام نوشته بود که همسر من اسفانم

اهل ماهواره و سی دی و فیلم های متبذل سکه است و من می گوید : خانم شما برای
تکراری شده اند : چون نگاهش به این فیلم های ضد اخلاقی افتاد ، چشمش دنبال
زنجای مردم و حلقه ها است . چشم حیران شده است **این بیماری است .**
بیماری خواناک ! عفت جنبی هم برای مرد و زن هر دو است که نگاهشان
را کنترل کند ، هوس باز نباشند ، چشم حیران نباشد ، پای فیلم ها را به هوار
نندیشند . من به خدای گفت حاج آقا چرا راجع به حجاب صحبت می کنید ،
من اصلاً دوست دارم زن این طور باشد ، دلم می خواهم مانتویش کوتاه باشد - دلم
می خواهم ده سانت از سرش پوشیده باشد - موهایش بیرون باشد - چرا شکلی دارد .
مگر همسر من الان فاسد است ؟ گفتیم : نه خانم شما جنبی هم محترم است و شما هم آقایی
محترمی هستید . اما آن جوانان مجرمانی که نگاهشان به همسر نورزیا بد حجاب
و بد پوشش در جامعه می افتد و شرایط از رواج هم ندارند به حرام کشیدنی مؤنه
با این چه می کنی ؟ متأسفانه ماهواره ها و فضاهای آلوده و بی برای بر سر بار آورده اند

(۲) عفاف مالی : افرادی که در جامعه رفته در عین نیاز مندی اما اهل عفت
مالی هستند : عزت نفس دارند ، پیش مردم دست دراز نمی کنند ، بابا برو
هستند ، ~~چشمشان دنبال مال مردم نیست~~ چشمشان دنبال مال مردم نیست . در طول تاریخ
انبیای الهی هم غنی و هم فقیر داشته اند - حضرت سلیمان غنی بود ، ...
خطر جایی است که فقیر بخواد در سطح غنی زندگی کند و به داشته های خود
التفات نکند و دانش را از طمعش دراز تر کند - عفاف مالی : به اندازه گلبم پاتر درازانی
مؤنه آن **ابو ذر غفاری : خلیفه سوم فرزند زید علی نقی و غلامی خلیفه سوم است**
بول آورده بودم او را - گفت قبول نمی کنم من آن را نمی خواهم
مرحوم آقا مدرس : قبرش در کاشمر است ، گفت خدا یا شکر که ۳ چیز ندارم
یعنی نداشتن ها خیلی خوب است : آدم ریاست نداشته باشد ، حوری نداشته باشد
بیماری نداشته باشد ، در حیرت نیست که مال و دنیا (بم ترس)
لذا در حال بهر حال فکر را متباد و فریاد زد
عفاف مالی : یعنی انسان به خاطر مال دنیا خودش را به حرام نیندازد .
مراقب باش که فرود نیفتی ، من از این می ترسم که در دورانی رشوه و فتنه جاریش
عوض شود ، این خطر است :

۳۱ عفاف گفتاری : این در گفتارش عقیق باشد یعنی کلمات
حساب شده از زبانش خارج نشود. رسول خدا (ص) فرمودند : ایمان آردم
و قلب انسان محکم و استوار نمی شود مگر قلب آدم محکم باشد. ایمان قلبی مهم است
بسیاری از بندگان ما ناشی از زبان ما است ، باید مراقبت را بماند باشیم .
در خانه و در اجتماع و در راه و در خانه : مؤویبان و بالفاظ زیبا سخن بگویم
سجده گفتی یا خدا : مولای من در عمارت کمال با خداوند حکیم سخن می گوید :
یا ایاک استعینم در عمارت با خداوند حکیم سخن می گوید : دعا در صحنه
باید دید . محققان با الهی در خانه : در حدیث کبار
تکلیف : الفاضل به بار عطف دارند ، احسان کردن آنها - دعا کردن در حق آنها -
تکلیف از آنها - با فرزندان : یا لئی لا شریک یب - لقان : حضرت یعقوب
یا لئی -- خواب را برادرانت بگو : یا استدر معادن :
با گناه کار - نرم حرف باید زد - باید مدار : شرایط را برای انسان گن وقت
بده : در عصبانیت

در محفل ، ستودنی و بی عفتی یکی از عوامل مهم هلاکت دنیوی و اخروی
انسان است : داستان بر صحنه عابد و صاحب الهی بود است و انعام ما به عبرت
است . که سرانجام ستودنی او را از مقام استعجاب دعای به زکات کشاند .
او بهاران را با رعای خود شفا می داد . دختری زیبارا آورد که از بیماری لاعلاجی
رنج می برد ، دعا کرد و او شفا گرفت ، اما سوسه های شیطانی و درونی شروع کرد ،
صحنه گناه را شیطان در نظرش زیبا جلوه داد و لایق او آلوده شد .
آنگاه باردار شود و بتوالتش بگوید چه کنم ؟ آنگاه می رود - و متولد یک جنینی ام از
است می رود ، بنیم شیطان او را به قتل او ترغیب کرد و او را کشت و بعد
گفت خدایه کتاب است . و نفات او را سواش و او را به دار مجازات زدند
از او جز عذرت به حقیقت زکات رسید : به شیطان سبیه کرد و مافرد و او را دریا
رفت . لذت سقوط و رعایت نکردن این بیچارگی را بیا
آورد .

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم است. از احکام ضروری دین اسلام است. عرب قبل از اسلام اوضاع نامناسبی داشتند و قبل از اسلام زنان برای حضور در اجتماع از پوششی مناسب و مطربی برخوردار نبودند. میل به خورنمایی و جلوه‌گری و خودآرایی به مصالحی در سرشت زنان تکلفه است که باید در مسیر درست و هیچ بی‌اثر گرفته نشود. هیچ گزاشی بدون جهت در وجود انسانها فکر کرده نشده است. آثرائی گزاش را به حال خود رها کرده و هیچ حدودی برای سب قرار ندهیم قطعاً به فساد و تباهی می‌گشاید.

بدون هیچ شک و تردیدی، زن با یخشی عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. در اینجا در مختلف می‌تواند نقش آفرینی کند. اسلام با طرح حجاب و پوشش زن امر حقیقت جواز حضور در اجتماع را به او داده است و از سوی دیگر به زنان دستور می‌دهد با وقار و مناسبت وارد جامعه شوند و سلامت روانی جامعه حفظ شود. یعنی آرامش روانی جامعه بر سبب حجاب و پوشش خود بدست می‌آید.

حجاب نوعی هویت و مصونیت است نه محدودیت؛ مثلاً در سوره احزاب (۳۳: ۵۹) می‌فرماید: ای پیامبر، همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو که روی‌های خود را بر خود نزدیک کنند (عفت و پوشش در جامعه) یا عفت می‌شود که مرد از زنا و لذت قرار نگذرد. در سایه حجاب زنان با تمام وجود به وظایف خود عمل می‌کنند و خطری از ناحیه افکار جاهلانه متوجه آنها نمی‌شود. و کائنات خانوار هم مستحکم خواهد شد.

حجاب سبب سعادتمندی و سرور و برکت در زنان در جامعه است که اگر این سنگر آسیب ببیند یا فرو ریزد موجب آلودگی جامعه خواهد شد.

حجاب سبب حفظ زیبایی و عفت زن می‌گردد، سنگر حفظ اخلاق قری و اجتماعی است، در شکست تأثیر بر این حفظ کردن خانواده‌ها می‌باشد.

در سوره نوره: ۳۱ می‌فرماید: به زنان با ایمان بگو چشم‌ها را بر خود راندند و نگاه‌ها را بر زمین و آنچه در راه است نهاده و در ایمان خویش را حفظ کرده...

فرو بردن... پوشش و حجاب زنان به دلیل ساختار جسمانی آنها صورت می‌گیرد و قرار گرفته است؛ چون زنان زیبایی‌های دارند و حجاب هستند و آنها باعث می‌شود که افراد هوس‌ناز و چشم‌پران نگاه‌هاشان به سمت آنها نماند.

و این حجاب؛ خلی به زنا و دفتر اخذت و عفت می کشد و پاکان و سزای کند
چون شما خلی گرانها و از ستمند همت خداوند این تاج خیزت را بر سر نهادن
است. **۲. اسلام با آوردن حجاب؛ میلا زنا و مردان جلاله حرم و حصاری قرار داد**
تا زنا هم زیبا بماند و خود بیستهای خودشان را در منظر و نگاه مردان قرار
ندهند. **۳. این کار را می بایست می نمود اگر ایش رو می روانی مردان در هم نبرد.**
چرا که با مشاهده زنان بر حجاب ری عجا بود و رفتن در صدر اسباج عطش و تقاضای
بتهوات حسنی خود بر می آیند - و حرکت می شوند و اگر ایش و امانت را از
زنان خواهند گرفت.

۵. حجاب باعث می شود؛ روابط خانوادگی استوار بماند و فروزین زن آزاری صنی
وی می زنا در جامعه به دست شدن و پاهای روابط خانوادگی خواهد افتاد.
۶. می بود پیش شخصیت و کرامت زنان را تأمین می کند - به آگاهی و به حرام
می نگردند. **زنان بر حجاب وی حجاب خود را از زنان فروخته و به خود از زنی قائل**
نستند و از زنی بر تأمین نگاههای آلوده مردانند.

عوامل به میانی
۱. تبلیغات مستند و فزونی رشتن علیه زنا و دفتر؛ چرا که از آگاهی می گیرند
آوردن حجاب می به عفاف و پاکدامنی باشد، نظام خانواده مستحکم و فرزندان
صالح و عاقل و کار آفرین جامعه به یاری می ماند، اما این نظام خانوادگی را هدف
قرار دارند. **۲. بی هویت کردن ستمهای آئینه و دور کردن آگاهی از آسزده های**
و حیاتی و ارزشی و الهی. **۳. بی تفاوتی دستگیر همای فرشت خاتم در حق خود را**
به بی حجاب. **۴. بر خوردهای غیر اصولی و غیر کارشناسانه با بی حجابی.**
۵. تولیدات لایسته لباسهای غیر متعارف یا مد های غربی و غیره از زنان
آگاهی در جامعه. **۶. عدم توانایی در ارائه تکنولوژی و برآورد برای جایگزینی**
راهکار از آن است که؛ **۱. آموزش و پرورش فلسفه حجاب و کارهای آن به صورت کتاب**
تدریس شود. **۲. برای آموزش دفاعی مانت سواست دارم برای این کار**
باید بهترین کتابها فراخور حال دانش آموزان تهیه و به آگاهی آموزش داده شود.
۳. برای تمام موارد مانند موارد فحش، آسیب های اجتماعی و ... باید کتاب
و اسناد دقیق گردیده و تکرار شود.

یکی از مهمترین ابعاد زندگی هر انسانی، زندگی سیاسی اوست، هیچ کس نمی تواند به طور کلی، خود را از سیاست و امور سیاسی در کشور جدا کند. سیاست، جزو جدایی ناپذیر زندگی هر فرد در جامعه است. چون زندگی اجتماعی انسان نیازمند به اخلاق و سیاست و دخالت در سرنوشت امور کشور می باشد.

اما همین روح در این باره می فرماید: اسلام دینی سیاست است و فکره را همان بر او برود که دین از سیاست جداست، نه دین را شناخته و نه سیاست را.

اسلام دینی جامع و کامل است و در تمام ابعاد زندگی فرد، اجتماعی، دنیایی و اخروی او وجود دارد. دستور اخلاقی و خودسازی که فردی است، احکام و دستوراتی که در باب حکومت، سیاست، اقتصاد، اجتماع، قضایی، امور مربوط به اداره و صیغه حاکم و روابط بین الملل.

احکام اسلام بدون قدرت اجرایی، قابل اجرا نمی باشد. اما سیاست اسلامی مبتنی بر اخلاقی و حقوقی و بر اساس شرافت انسانی نبوده است. وظیفه مآدراینی باره چیست؟

ما اخلاق: ما به عنوان شهروندان در جامعه اسلامی در قبال دولت و ملت و سران و رهبران چه وظایفی بر عهده داریم؟ واکفا هم وظایفی در قبال مردم خود و شهروندان داریم؟

آیا ما اخلاقاً می توانیم افرادی را که نارنجیم که به رغم تخصص بالا و عالی و از خود توانایی بر خود داریم؟ و آیا هر کسی اخلاقاً می تواند دردی که خود را در معرض انتقاد مردم قرار دهد، آیا با لیاقت و شایستگی ها را دارد برای کسب قدرت به وسیله رقابت با مردم؟ آیا مسئولین اخلاقاً به حکم انبیا می توانند مردم را هدایت، موظفند به همه خواسته های مردم؟

هر چند خلاف خواست خداوند باشد، همه عمل می کنند؟

آیا مسئولین و دولتمردان برای ترس از عقاید و فرشتی می توانند به عقد قرارداد با شرکت ها و دولتهای اقدام کنند که اقدامات خلاف شرع و خلاف انبیا است؟
را اطمینان سیاست و اخلاق چیست؟ و اخلاق حاکم بر سیاست و رفتارهای سیاسی چیست؟

سیاست به معنای املاک امور مردم و اداره کردن کارهای کشور است
سامان دادن، املاک امور خلق و اداره کردن کارهای مملکت

سیاست یعنی: تدبیر هوشمندانه و جامع برای اجرای عدالت و حفظ کشور و افراد آن، سیاستمدار به کسی گفته می شود که توان اداره کشور را دارد و زیرک و باهوش و آگاه به مسائل داخلی و خارجی باشد، دشمن شناس باشد، باید بر ویرانه های زیر دقتی برای پاک سازی و بهسازی جامعه باشد.

اما علم (دین) فروریزد؛ زیرا بیانی سیاست، رعایت عدالت و رهبری و عفو و دینا قدرت است. و فرمود: اساس حکومت، سیاست است و سیاست خوب و ارز شمند موجب دوام زمامداری است.

اما سیاستی که همراه با اخلاق باشد سیاست اسلامی است اما سیاستی که در راه ظلم و ناظلم و فساد و نیرنگ به کار رود غیر اسلامی است و بی طاعتی است

مثال: سرمایه دار، قارون است که عامل مناد و آتکوی اخراج در حاکم بود و سرمایه داری بنا بر حضرت سلیمان = عامل نجات و آتکوی سفارت بشریت است **فاد سیاست آنرا همراه با اخلاق و دیانت و رسیدگی به کار مردم و مشکلات مردم باشد؛ اندکند است سیاست؛ عامل فساد - دزدی، حکومت - برادر**

مردم سرار ملک: سیاست و تدبیر (امام علی) رهائی و براساس شریعت بود و از مرز و حریم تجاوز نمی کرد ولی معارف، سیاستش براساس شریت و عقرب افکار عمومی و حیانت و بد سوختگی بود = **هر جا لازم می آید در عهد و پیمان رایی سیاست** بودند که امروز هم این را دارد. **سیاستی که مولا (ع) داشت افراد شناسیه و قابل اعاده حیثیت و جنایتکار دورش را میبرد برای رسیدن به اهدافش.**

نظریه حجابی اخلاق از سیاست

عده ای از سیاستمداران و نویسندگان بر این باورند که **علم و اخلاق از سیاست جدا** و نه اخلاق در سیاست دخیل است و نه سیاست در اخلاق دخالت دارد. **مثال:** فداکار و شهیدری یک فضیلت است (اخلاق) اما در باب سیاست یک رذیلت است، در باب سیاست صغیر است. **آن فردی قسمتی از خود را برای خود را** $\frac{1}{2}$ - $\frac{1}{2}$ را در آن (شماره ان) **مخبره از یک طایفه اخلاقی خبیث اندکند است**

اما اگر یک دولت، منافع و درآمدهای ملی کشور خود را به کشور دیگری بیخه خانی
و وظایف ناشناس است. **این سیاست مایکونی است**، برای رسیدن به قدرت
از هویدایی مهمتر **پرویز اخلاق را از عرصه سیاست جدا کنند**.
معاون برای رسیدن به قدرت هر حیاتی مرکب می شود.

البته تا گفته نماند: انسان در اخلاق فردی خود و اجتماعی خود وظایفی دارد و می تواند
از مال خود و قدرت خود و آبروی خود در این دنیا و مایه بگذارد. اما این انسان
در سیاست با از شریک ملی نمی تواند بیفتد، اتفاق می تواند - مال دلم ملت است
معاون وارد شریک می شود، اجازه آب خوردن و آب بریدن به کشور مولد
فرد نیست. ولی وقتی حقیر آب را فرستاده اجازه دارد که کشور مولد
لغو کند که بگوید آب برای آل ملی می بندد - آب برای همه موجودات عالم است
در جنگها = دشمنان یا دوستها که می جنگند هر که غالب می شود؛ **مزارع را آتش**
می زنند - درختان را می کنند - مزارع ها را می کشتند، به سر مرد و سرزن و کوراک
همه را هم می زنند، خلاف انسانیت است

اما سیاست اخلاقی = در جنگ؛ مزارع ها را می زنند آبش - به سر مرد ها و
سر زن ها کار می زنند به مزارع و آب مردم کار می زنند - **در جزیره فری است**
در جنگی در سیاست از جمله است؛ البته راست گفته اند که داریم
حاکم نباید همه اسرار کشور را بیان کند به صلاح کشور نیست یک جاهای **دروغها**
دروغهای مصلحت آمیز که برای کشور و مردم نفع دارد احسان ندارد.
این دروغ خالی است بگوید که راست است - اگر گفتید مردم تمام - دشمن کرد استوار
می کند.

(۲) نظریه افعالیت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست.
همه ارزشهای اخلاقی تابع مصالح سیاسی و ارزشهای است که در هر آن سیاسی
معنی می کنند، هر کاری که در خدمت تأمین منافع سیاسی جامعه باشد **است**
ارزشمند و فضیلت است و عکس آن کاری نالیند و ارزشزایی اخلاقی است
مثال؛ کشیک کشی: هنگامی که موجودیت یک مورد تقدیر واقع شود،
برای نجات ورهائی آن می توان چهار چوب های اخلاقی را زیر پا گذاشت
لاک دروغ - ظلم - شکنجه - ملامت و کارهای وحشیانه را برای اهداف فزاینده کرد.

دارای ارزش اخلاقی و مثبت هسته و آثار درجای عدالت و زیر ولایت داری
و راست گویی و انصاف و جوانمردی ما را از اهداف عالیه دورتر کند، اینها اموری
زشت و ناپسند خواهند بود.

(۳) نظام امانت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق

اصالت با اخلاق و ارزشهای اخلاقی است و ارزشهای سیاسی زیرمجموعه
اخلاق هستند. خداوند، ابتدا پیامبرش را تاریب و تربیت کرد و پس از آن
که به پایان رساند ضرورت بدینست که تورات را با اخلاق بر عهده ای هستی.
حاکمان جامعه اسلامی اخلاقی هستند، اخلاق مدارند - دینی مدارند، امانتدارند -
عادلند - متواضع هستند - بردبارند - عامتری و داناگری ها هستند -
لا عدالت محوری؛ عدالت سپر ننگه بان حکومتهاست؛ اما کمال در
رسول خدا (ص) ضرورت؛ یک لحظه را با عدل از خدا عبارت لغت ارسال برتر است
عادلند؛ عدالت اجتماعی را در جامعه بشری اجزای می کنند و بشریت طعم
سیرین عدالت را می چشند.

(۴) مسئولیت نداری؛ حاکمان و مسئولان در مقابل مسئولیتی که بر عهده
دارند، در برابر مردم مسئولند.
(۵) اخیر جوان بر روند (۶) مهری با مردم؛ مهر با امانت؛ اخیر جوان
ساده زبانی آخفا.

این حاکمان، به جامعه بشری دانی و بصیرت و اخلاق انسانی می آموزند -
اینها مردم را از جهالت و گمراهی و سرگردانی نجات می دهند -
این حاکمان مردم را خوب تربیت می کنند و از آخفا مانند اکثرها
و سلمان فلسفی ها می سازند. به مردم محبت می کنند. از محرومات حمایت
می کنند. از ظلم و دروغ و خیانت می پرهیزند.
پیامبر اکرم (ص)، فرمودند: هر کسی رهبری مردم را بر عهده گرفت و بجانها خیانت
کند، خداوند کشتن او را حرام می کند.

(۷) امام رضا (ع)؛ هرگاه حاکمان دروغ نگویند ما برای او هزار ساله سلطان
ستم کنند؛ دولت کسی است که بی اعتباری را در
حاکمان را مردم با به حمایت کنند و نصیحت و خیرخواهی را از آخفا
دانشته باشند. دعا بر سر نگین حاکمان می کنند.

وظایف اخلاقی مردم در انتخاب مسئولان

۱) عادت مناسب ملائمت و مسئولیت مورد نظر

مردم به افرادی رأی دهند و انتخاب کنند که لیاقت و شایستگی و تخصص لازم را برای خدمت به آنها داشته باشند.

حضرت یوسف زمانی که خود را برای مسئولیت خزانهداری معرفی کرد، به دو ویژگی خود که مناسب با این مسئولیت بود اشاره می کند: **اما اندازی در آگاهی و ضرورت مرا سرپرست خزان** **مهرز من مصرف قرار ده که نگه دارنده و آگاهم.** **یا کی طمانت و آگاهی و تخصص و مدیریت قوی در کشور برای مسئولین لازم** و ضروری است.

بسیار صفتی او چگونه مصرف را بخاست داد که تمام کشورهای آن دورا به مصرف می رفتند و گذر می کردند.

در یک کشوری مدیر تنها باید بر اساس توانمندی و تناسب تقسیم شود، کسی که سالها کار مدیریت انجام داده و بحارب اندیشه دلی را باید در آنجا بماند. **با بجای ها خطرناک و غیر آفرین است.** **آفرین است سازمانت نظامی را به یک کسی مهندس برق صنعت است چه اتفاقی رخ می دهد - اگر عای دندان شکوچیم** **در سنگ عوص کو (چه اتفاقی رخ می دهد، ریاست اداره ک ویرک را به یک جراح و متخصص مغزو اعصاب بدهید.** **آنها اتفاق بیفتد هر رفتی شروع و امکانا دولتی و مشکلات چه زیاری برای مردم خواهد داشت**

۲) توجه به سوابق کاری (تجربه)

مولانا (۱۴۰۱) می فرماید: **بزرگترین اشتباه تجربه است، مسئولینی که از بحارب زیاری بر خود دارند و سوابق کاری در حشاش نرا دارند موفق هستند و فرمانده سپاه قدس** **ناتجرب ۸ سال دفاع میسر را داشت از صفر شروع کرد بود ... در تالک های جنگی و** **دفاعی موفق عمل می کند.** **مولانا (۱۴۰۱) می فرماید: تجربه کوه می کند: افرادی را که اصل** **تجربه هستند کار بکیر و از بحارب آگاه تر هستند.** **تجربه کافی نیست باید در** **کار بحارب آید و کند فرد پاک بازم و آفرینا ک باشد خوار و ویرا ک است** **هو زردی با چراغ آید گزیده تر بر کالارا.** **مسئولینی که در کن تجربه از** **تجربه کار بر خود دارند باشند بیشتر حیانت را به ملت و ایران** **محمی خواهند داشت.**

بنا بر ملاک های انتخاب مسئولان در نظام سیاسی اسلام توصیف اوصاف خانواری افراد است. خانوار، هائی که اهل حلال و حرامند. اهل دینی و دنیاست هستند. پاک و فانی دارند. از خانوار هائیکه صالح و نیک و پاک و پارسند (اما غریب) در نامه خود مکتب استر: به کسی نزدیک شود که گویای نیک دارند و از خاندانی پارسا و از سابقه نیکو برخوردارند. البته به صرف اوصاف خانواری نمی توان اعتماد کرد فقط: خانوار اندوختنی هست ولی آگاهی آنان، دانایی آنان، مدیریت قوی آنان، کارآمدی آنها هم لازم است. شاید خانوار خوبی باشند اما توان ندارند یا ناصالح اند کار را بداند و حفظ: در نظر از منافع و فاساد بدین است، اما او مومن و کارآمد و پارسا در سب عروسی، خود را به میدان جنب رساند و در رکاب رسول خدا هم نشست می رسد. عجل الله له.

(۴) توصیف اخلاقی دینی و اخلاقی

در انتخاب مسئولان در نظام سیاسی اسلام، سوابق یا پندگی، این و آن و از شهرت الهی و اخلاقی حلی مهم و ضروری است. افرادی که پاک و پندگوارند و سنی و اخلاقی باشند تا بتوانند بهتر مردم خدمت کنند. افرادی باشند که خودشان را در برابر مردم خدا مسئول بدانند و بعد از برابر مردم. مسئولیت یک پارسا و نیکو است که هر کسی توان به پوشش گرفتن آن را ندارد. البته افرادی هستند ظاهر ساز و مریکوار خود را چنان مدافع حقوق مردم می دانند که گویا مأمور خدا هستند. ظاهر سازی: ریش و پشم - فقر و بیگاری، نماز جماعت، راهبهای دعه هم خاخی از کار در می آورند.

اما غریب (۵) نیکو: به حال استر: افرادی که مست ایما و دارای سوابق هستند و خدایا! من به دیگر مسئولان بگویم مالک کسی است که عقل از تو و دیگر مسئول بهره است. آنها را نگاه کن که با مکتب مسئولیت ندارند. افرادی که خداوند را حاضر و ناظر به اعمالشان می بینند و هرگز ظلم و حیانت نمی کنند. به صورت وقت اعتقاد دارند. افرادی که اخلاق آنها خوی است.

۵- خودداری از انتخاب افراد نالایق

در نظام سیاسی اسلام، همه مناصب و مسئولیتها امانت الهی به شمار می رود پس باید مردم با آگاهی کامل و بصیرت به افراد لایق و شایسته که بتوانند این امانت الهی را به نحو احسن انجام دهند و مستأخرات و ریکات در جامعه اسلامی باشند.

۱) پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که ضرری را در قوی، بیدار گیرد که در سال آنان کسانی هستند که خداوند از آنها راضی تر است، پس؛ خداوند حیانت کرده است.

و از طرف دیگر افرادی که خود را در معرض انتخاب مردم برای نقد و یک پست و مقام حکومتی قرار داده اند، آنرا بدانند که از آنها کمتر و شایسته تر و لایق تر و مورد نظر مؤلف هستند که برای آنها تبلیغ کنند و بگویند تا آن فرد لایق مسئول شود و در نه مسئول حیانت در امانت خواهند بود و آن مقام را طایمان اشغال کرده اند. ۲) اما صادق (ع) فرمودند: کسی که مردم را بی سویی خود بخواند، در حالی که داناتر از او در میان مردم باشد، شخصی بدعت گزار و گمراه است.

۳) مولانا (ع) درباره وزیر از انتخاب افراد نالایق می فرمایند:

سرلوار نیست بخیل، بر ناموس و جان و غنیمت ها و احکام مسلمانان، ولایت باید و امامت آنها را عهده دار شود تا در حال های آفتاب هر چه برسد و افرادی که از تخصص و آگاهی لازم برای خودداری نیستند خود مستأخران کنار بروند و کارها و مسئولیت ها را به اهلش واگذارند.

۴) و از آنجا که همه افراد از تخصص و آگاهی لازم برای شناخت مدیران مسئول لایق برای مقام های حکومتی را ندارند، عاقلانه تر این است که ما صاحب نظران و آگاهان و دلسوزان مشورت کرده و از راهنمایی های آنان بهره مند شویم.

وظایف اخلاقی حاکمان در میان مردم

۱) محبت و مدارا
یکی از وظایف اصلی حاکمان نظام سیاسی اسلام محبت کردن مردم و مدارا با آنهاست. حاکمان و مسئولان باید به مردم به عنوان ولی نعمتان خود بنگرند زیرا

مسئولان در نظام اسلام باید بدانند که محبت به مردم یعنی محبت به عیال خداوند و برای محبوبیت در نزد خداوند بهترین راه این است که عیال خدا را دوست بداریم .
بجای نظرات حاکمان فاسد و طاغوتی : که می گویند مردم باید هم حاکمان را دوست بدارند
 دائمی و مددگار کردن با مردم و خدمت صادقانه به آنها تکلیف داری خودشان را بیشتر کنند
خداوند کرم به پیامبر اکرم (ص) دستور داده که با اهل بیت و ائمه و اولاد خودشان را بیشتر کنند
و کسی که از او را در محبت و مهر بای به مردم دانسته است : در مورد اهل بیت و ائمه و اولاد خودشان را بیشتر کنند
 الهی، در برابر آن (مردم) نرم و مهربان شدن و آثار خشن و سنگدل بودن از اطراف و
 پاک کننده می گردند .

(۲) **مولانا (م) حق فرموده** : در نشست های خود در حکم کردن و قضاوت کردن با همه بی باک و
 صراحت و برخورد کن و از خشم و غضب حتی بپرهیز که آن تیری از جانب سلطان است
 نمی ؟ مردم قلعه ای است .

مولانا (م) در عهد نام به مالک اشتر دستور می دهد : و مهربانی بر رعیت را بر دل خوش (خود)
 نوشتنی فردا و دوستی و در دل با آنان و مهر بای کردن با دشمنان و مباحث همچون جانوری
 شکری که خوردنشان را غنیمت شمری : **دسته ای برادرانی برانند** : **دور دستم** دیگر دکان فروش
 با توها ندهند . گفت که از ایشان سر می زنند ، بعلت های بی آنان عارض می شود . . .
 از خط ایشان در گذرند . . .

(۳) در نامه ای به محمد بن ابی بکر و ابی سعید بن ابی ریحان : **و بر ابر رعیت فروتن باش و آنان را با
 شاد روی و نرم صغی و بند و با همگان نسیان رفتاری**
 مدیران و مسئولان جامعه اسلامی : در مراجع مردم به آنان ، گاهی رفتارهای بی ادبانه
 و ناشایست از خود بروز دهند ، مدیران با اخلاق اسلامی و حوصله و مدارا کردن با
 آنها و گذشت گریانه از وظایف اصلی خود باینشی خدمت به خلق عاقل نشود
اما علی (ع) : **رأس عیاست** ، به کارگیری مدارا است .

عدی بن حاتم طای که می می بود ، اما می نویسد **دو چیز از رسول اکرم (ص) باعث
 جذب من به اسلام و رسول اکرم (ص) شد** : **سادگی و سستی حضرت (ص) صبر و
 عفو و ممانعت پیامبر و تبسم و آرامش او در جواب دادن به یک سبزه
 که خواست او را جواب می داد** . آن قدر سهو صد ، آن قدر صبر و ممانعت

ص ۳۴
حاکمان در نظام اسلامی باید با اصل محبت و مدارا و مردم‌داری با است خدابیت درکها و قلوب به اسلام و نظام اسلامی نباشند.

مولانا (۱) در خبر خود با مخالفان خود حقیقت‌مدارا کرد؛ طلحه و زبیر که برای رقتن
به مکه و جنگ افروزی و فتنه علیه حکومت عدالت گستران حضرت مقصود
دشمنی نداشتند. که ابن عباس از حضرت خواست آن دو را زندانی کند و از رشتن
به که باز دارد ولی حضرت فرمود آری از من می‌خواهی که آغاز رسم بایستم
هرگز! به خدا قسم از رفتار عادلانه که خدا را بداند امر فرموده روی برمی‌گردانم.
وقتی هم خبر و میان شکنی آن‌ها را شنید فرمود: باز منی که برای جایی مضرت و خطر آفرین
نباشند، صبر خواهم کرد و آن‌ها را از شکنی دست بردارند، از آن‌ها می‌گذرم.
(۲) یا بر خود حضرت بلخوارج و مدارای آن بزرگوار تاریخ بشریت و حلم و بردباری با آن‌ها
بایر ها در حین سخنرانی حضرت، پادار ازیت و سخت‌ان اعتراض آن‌ها را شنید که چرا
به حکمت نمی‌دانی. لا حکم الا لله. ۳ در مسجد و نماز نذر در نماز است، با
سکینه بی‌لغات را قطع نکرد و باز منی که دست به شمشیر نبرند با آن‌ها صلح
و حضرت را با طریقتش حکمت کافری داشتند، و دوری کنی از آن‌ها سخن حکیمان‌ای
از آن‌ها شنید گفت: خدا این کافر را بکشید، ما هم را نشنید، و عصبی دارد.

(۳) بر خود مدارا می‌بایست
حاکمان باید با مردم مدارا می‌کنند، بر خود و مدارا می‌کنند با آن‌ها سخن نگویند، سکوت
و موافق را با آن‌ها در میان نگیرند. ما توانی کار کوتاهی و کم کار را بر خود مدارا می‌کنی
بپذیرند. و آن‌ها برای کم کارها و کوتاهی‌ها، دلیل قانع کننده دارند به مردم باز نگویند.
مولا (۴) در این باره می‌فرماید:
و آن در عین بر تو همان ستم برد، نذر خود را آن‌ها را با آن‌ها در میان نذار، و باین
کار از مدگهای نشان آگاه ساز، که باین کار با عین مدارا کرده در عین پناه راست
کشیده می‌شود.
بر خود مدارا می‌بایست، آن‌ها را محرم اسرار خود دانستی، ماضی در موارد استثنای
و ضروری که همه حاکمان دارند، همه مسائل حکمرانی را با آن‌ها در میان نداشتن و از
آنها را نهایی خواستن از رستم‌دار است.

۳ فاصله گرفتن از مردم

در نظام سیاسی اسلام بهترین حالت، دوری است از کسانی هستند که از توده های مردم فاصله بگیرند. و بهترین راه ارتباطی آنها با مردم، دیدار حضوری و غیره است. تا مردم در این دیدارها بدون ترس و واهمه درخواستهای خود را از آنها بخواهند. دیدار مسئولین و خبردار شدن از اوضاع مردم و جامعه و وضعیت زندگی آنها باعث آسودگی و رفاه و رسیدگی بهتر آنها خواهد شد.

یکی از مهم ترین عوامل فروپاشی و انحطاط نظامهای استبدادی در طول تاریخ همین موضوع بوده است. چرا که آنها لزوم مراقبت جامعه و اوضاع مردم خود را نمی بینند و در نتیجه فاصله گرفتن از مردم باعث می شود درک درستی از واقعیت ها و اوضاع جامعه را از دست بدهند.

مثلاً در نظام پهلوی به قشمن بن عباس والی مکه، رئیس موزانین، با مدار و شکایت برای آناه مجلس آماده کن، آگاهی که فتوا و دستور برای می خواهند بده و ندارند که جامعه را آناه کن و با دلایان گفتگو کن. و خبر زیانت پیام رسان مردم نباشد و جز بیروت در بال هیچ حاجتمندی را محروم نکن، چرا که اگر رانده شده و بعداً حاجت داده شده است نتایج: (دیدارهای عمومی با مردم) - تسهیل سبک آفا - اولویت بندی از اوضاع - جلوگیری کردن مشکلات - اطلاع رسانی - و غیره را که نادانان جامعه بخشی می کنند خنثی کن.

متأسفانه امروز در موانع مختلف حکام و دولتمردان هیچ ارتباطی با مردم ندارند و سخنان آنها را نمی شنوند - و پادشاهان و محافظین شدید از ترس تزلزل اوضاع را تسبیح کرده است. گرچه این محافظت در این (در اولویت دارد) اصل مشکلات مردم و صادقانه با مردم سخن گفتن و فاصله گرفتن از آنها مشکلات زیادی را حل خواهد کرد.

(۴) رعایت عدالت

یکی از مهم ترین وظایف حاکمان در نظام سیاسی، در مقابل مردم جامعه عدالت ورزی است. عدالت و نری در همه شئون جامعه، عدالت در توزیع امکانات و فرصت ها، امری عدالت بی از راههای نفوذ در دل جهان مردم است. اما (۵) کسی که عدالت نپوزد، حکمش ناقض است.

عدالت بویژه قدرت و حکومت تکوین یافته، زمانی که حکومتی بایر عدل و عقل استوار شده باشد، حذو نه دستداران آن را باری و دشمنانش را حواری سازد
 عدالت درنگ : (مولا علی) در نامه‌ای به بنی‌ازوالی نوشتی فرماید: با کتمان یکسان رفتار کن، تا کسی که گشته چشم به آنان افکند و یکی را به اشتیاق خوانی، به یکی حقش برساند، تا بزرگان در تو طمع ستیم بر ناتوان نبینند و ناتوانان از عدالت مأیوس نشوند، و فرودند بران عموم مردم را و جنری را ببینند که برای خود در دنیا است می‌بندی و هر چه برای خود در دنیا است نمی‌بندی برای عموم هم نبینند
 در امر بارگازول با رعایت عدالت صورت گیرد، نه اینکه عدالت برای فقها و بی‌حکما باشد یا آخر افراد شریفند و ممکن و مانول و مانول قانون شکنان از زیر حلق عدالت قرار کنند.

گول حذو (فرموده) یک ساعت رعایت عدالت، بهتر از ۷۰ سال عبادت است که سبهای آن عبادت عوده و روزهای آن روزها باشد و یک ساعت ظلم و ستم، حکمشی تر از خداوند از ۷۰ سال گناه بالاتر است.

(۲) اطرافدار حصص به عمر بنی عبدالعزیز نامه نوشت که دیوارهای شهر در حال خراب شدن است، برای تعمیر چه دستوری فرماید. حلیف نوشت: شهر حصص را از عدالت دیوار بکش و راههارا از ظلم و ستم نسبت به مردم، با کساری کن. در این صورت به دیوار خشت و سنگ و گچ نیازی نیست.

(۳) بهرام سردار ایرانی علامه تدبیر برنگ رشت و از اوضاع مملکت بی‌خبر بود. فقط رزده‌های منظم ارتش و علق گوی از دیاربایان را می‌دید و از اوضاع مملکت و زنا بیان بی‌گناه و توده مردم بی‌اطلاع بود. به مزارهای کشور او حمله کردند، از مردم طلب یک کرد ولی مردم دعوت او را پاسخ ندادند، از این جریان فوق‌العاده متأثر شد. که حیم استلالی در دستگاه حالت عود (دکتر) که موجب بدبینی و دل‌سری مردم نسبت به حکومت شده است. روزی بالاسن میل رفت میان مردم و دید مردمی سگی را جلوی خیمه خود را دراز کرده است، رفت میان مردم و دید مردمی سگی را جلوی خیمه خود را دراز کرده است، رفت میان مردم و دید مردمی سگی را جلوی خیمه خود را دراز کرده است، رفت میان مردم و دید مردمی سگی را جلوی خیمه خود را دراز کرده است.

و سلی که حفاظت اکفاره عهده داشت، من و جوانان که با فکری
 آسوده به کار خود ادامه دادیم، ولی روزی جوانان گفتند که گوسفندان
 طعمه گرگ می شوند، هر فرد از ما را است، من به شک باید بمانم مردم
 سگرا تحت مراقبت قرار دادم، دیدم که با چند گرگ ماده دوست شده
 و اکفاره در برون گوسفندان آزار گذاشته است. دیدم که این اعتماد
 ما به سگ باعث ضرر و زیان ما شده است، لذا به سگ را بریده و پوست
 آن را گندم و آویشن کردم تا مردم بدانند که فکری که او را مسئول کردند و اعتماد
 کردند به او حیانت نکند، اگر حیانت کرد سزايش هشتاد است.

چهارم بار این محنت مفید که مشکلات کشور از آنها نشأت گرفته است
 از این به بعد بدون اطلاع اطرافیان و وزراء، با طبقات مختلف مردم تماس گرفت
 و به استماع همه خبرهاست، افرادی که به مردم نزدیک بودند و اخبار را می شنیدند
 کرده اند، کارزاران متخلف را عزل کرد و کار حکومت را با یک سرعت و رقت و رزق
 مردم جلب کرد. فاصله گرفتن از مردم و رعایت عدالت و مدیریت باعث
 شکوفایی کشور و به دست عمومی خواهد بود.

(۵) ساره زبستی خانم

یکی از بهترین وظایف اخلاقی ما که در نظام سیاسی اسلام، ساره زبستی و دوری
 از تعلقات است.
 مولانا (رحمه الله) به ما می گوید که بنی حنیف افندی مالی بعدی که در مهابانی بزرگی
 شرکت کرده که سار زندان و فقراد در آن مهابانی حنیف ندارند. فرمودند:
 «ما نمی گوییم که تو در چنین مهابانی ای شرکت کنی، بدان که پستوای شما سبزه
 کرده از دبیای خود به دو جاسه فرسوده و لوقه صنان. بدانید که شما نمی توانید
 چنین باشید. ولی مرا باری کنید به پارسایی و پارسایی گوید. و با کدامی و درستی
 وزیران. آدمی خواستم از غسل خوب و مغز گندم و یافته آبریشتم استفاده
 می کردم، ولی هرگز هوای من بر من حیده نخواهد گردید، و هر من مرا به کز نش
 خواک ها خواهد کشید، زیرا ممکن است در حباب زیا عوامه کسی حسرت کرده
 نانی کرد، یا هرگز شکلی سر نخورد، من سر نخوردم و دور و اطرافم شکم هامی
 گرسنه باشد و خبرهای سوخته. آیا بین من و شما که مرا
 در میان گویند.

ولی در سطح ها و ناخوشایند های روزگار شرکت آنان نباشیم

اما کار اصل: در پامی، مناسبات ریش در بین مجلس شورای اسلامی، خطاب به نمایندگان مقرب فرمودند: اگر نخواهید بدون خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و از قدرتتان و سلاح های پیشرفته آنان و کوطنه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شمار را از میدان به در نزنند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید، مردان بزرگ که خدمت های بزرگ برای ملت های خود کرده اند - اکثر آنها ساده زیست و بی علامه به مال و منال و جاه و مقام دنیا بودند! آنها که اسیر هواهای پست نفسانی نباشند و هر زلت و خواری می دهند. **ولی در استیصال به خلاف آنانند.**

آموزش های دینی

کتابت و طایف اخلاقی حاکمان دینی در نظام سیاسی اسلام، در حقیقت چیزی جز اجرای دستورالعمل اسلام و تحقق معارف و آموزه های دینی در همه عرصه های زندگی بشری نمی باشد.

مردان ایمان در این باره فرمودند: **خدا یا تبارک و تعالی آنچه از ما رفت و نه به خاطر رغبت در قدرت بود، و نه از روی ناچیز خواستن بزرگوارت، بلکه می خواستیم نشان های دینی را به جای که بود بکشیم.** و اصلاح راه شهرها و ظاهر را کنیم تا سبکبان ستم دیده ات راه ایمنی فراهم آید و محدود صنایع مانده ات اجر در در

اما اگر در باره حقوق طرفینی اما و مردم: فرمودند: مردم امرای شما حق است، شما را بر من حق، بر من است که خیرخواهی از شما در رخ نوروزم، و حق را که از بیت المال دارید بپردازم، شما را تعلیم دهم تا نادان غمناک و آداب امورم نباشد.

در جای دیگر فرمودند: اما و کارهای اسلامی: موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد حکومتی آموزش دهد.

فرهنگ و معارف اسلامی ناب کرنی و حذاب هری فرهنگها در جهان است فرهنگ معاصر و استیلائی، فرهنگ استیلا و روشهاست، فرهنگ جوانمردی - فرهنگ مجاب و عفاف، فرهنگ مهدویت و انتظار - فرهنگ همسایه داری - فرهنگ شهروندی و رعایت قانون - فرهنگ شهرسازی -

فرهنگ نامنداری - فرهنگ وقت شناسی : فرهنگ غربت و غریبگی !
چون : فرهنگ وقت شناسی

معنا و وقت و فرصت : مجموعه ساعات و شب و روزها و هفته ها و ماهها و سالها را گویند ؛ این فرصت ها در اختیار هم انسانهاست که باید به بهره صدى از آنها واقف باشم و بگذارم به هوا هدر رود .

خداوند در قرآن درباره اندیشه وقت می فرماید : در روز قیامت اهل باطل بازمانده خواهند بود ؛ و اهل ایمان رستگارند چرا که از کارهای لغو و بیهوده پرهیز کردند ؛
رسول اکبر (ص) فرمودند : در مورد عمر خود بجمله عزرا بن پل در وقت خود باش .

مولانا (ص) فرمودند : همانا وقت های تو جزیره عمر توست ، پس بگویش وقت جزیره در مواردی که موجب خجالت نشود تلف نکرد .

مولانا (ص) در ضمنی نام ای به بی از صاحب خود فرمودند : با آنچه از عمرت باقی ماند ، است ، گذر شهادت را بهر حیران کن ، ضلالت و سردی فردا نگو ، زیرا اندیشه های که به هلاکت رسیدند به علت بیداری در گذشته ها و امروز و فردا کردن تو ، تا آن زمان که ناگهان فرمان خدا (مرگ) به سوسپان آمد و آنال در غفلت به سر می برانند .

نوه وقت بدین تیری از است مده . آخر این در ترغای بهایی دارد .
(۲) صرف باطل نکند عمر گرامی و درین آن که چون در سر خرد راه های دارد .

لحظه ها ؛ اما مان معصوم ما از تمام وقت خود را سفاه می گردانند ؛ بخشی از زندگی خود را وقف مردم می کنند ، محبت دینی را به کثرتی و تأمین معاش می پرداختند ؛ و به ای از آن راه تلاوت قرآن و دعا می پرداختند ، ساعاتی به مسائل تعلیم و تعلم می پرداختند .

(۳) اما بخار به) برکت لحظه های عمر خود (و زکوة و راه خدا اندیزد و از راه باطل دور ماند و در ساحتش به خداوند عز و جل می داند ؛ خدا یا آگاه کسی که عمرم در راه اطاعت و فرمان تو کار می رود ، به من عمر بده ، و هرگاه عمرم در راه شیطان منتهی ، مرا سزاوار

(۴) خدایا ای ابراهیم جدی در راه حق ؛ تا هر سبب به سطا لاهی در اوقات و موقوف گذشت زمان نمی نشیند ، تا این که صدای مؤذن را نه از آن صبح می گفتند ، می شنیدند .

ص ۵۲ وظایف اخلاقی مردم در قبال حاکمان

یکی از وظایف اخلاقی مردم در قبال حاکمان و مسئولان خودشان همکاری و همراهی با آنهاست، زمانی که همراهی و کمبری مردم با مسئولان بیشتر شود آنها بهتر می توانند مشکلات را حل کرده و اهداف خودشان را دست یابند.

البته باید مسئولان بهترین برنامه ها را برای رفاه و سعادت مردم بدون منت و چشم چاکنده، تا مردم طعم خدمت مسئولان را احساس نکنند کمتر همراهی می کنند.

مولای ما (ع) زود حق من برکات این است که چون شما را بخوانم بسیار در حق و فرمان دهم بنزدید:

اما مقصود و ناسیه خدا در زمین هم نیازمند همراهی و همکاری مردم است، تا تشکلات عدالت در عالم فریاد صاحب الزمان و الفوت و الفوت آنها بلند شود و از خداوند عز و جل و کثرتش بخواهند، ضریح به تیر تحقق پیدا می کند.

آنکه مردم: همراهی و پیروی از حاکمان تا آنجایی است که فرمان خداوند استوار آنها در هر خوب و شریعت باشد.

وفاداری مردم، یاری و همکاری و همراهی مردم از جمله حقوق حاکم و مسئولان بر توده های مردم است.

(۲) نصیحت (امر معروف و نهی منکر)

یکی از مهم ترین وظایف اخلاقی و دینی و انسانی مردم در قبال دولتمردان و مسئولان و فساد و فحاشی و خالصانه، امر به خوی و نهی از ارتکاب آفات و بدی ها می باشد.

رسول خدا (ص) در حجة الوداع در مسجد حنیف خطبه ای فرمود که اگر اندک و غرض و نیت

و وفاداری خالصانه و نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان و مسئولان و مسلمانان شامل اعمال آنها خواهد شد.

اما سجاد (ع) فرمودند: پیروی از حاکمان و کارکنان را در آن که لایزال است.

در نظام اسلامی، هیچ فردی نمی تواند دعا کند که استباهی و کم کاریهای ندارد
به خیر این معصوم، همه استیسیاتی دارند، کم کاریها و غفلت ها زیاد است
کاستی ها زیاد است، مردم با اجرایی این وظیفه اخلاقی، ضعف ها و کمبودها
را به مسئولان تذکر می دهند تا در رفع آنها بکوشند.

و از طرفی دیگر: مسئولان و مدیران جامعه اسلامی نیز نه تنها از امر به
معروف و نهی از منکر زیر دستان خود نباید آزرده شوند، بلکه منتقدان دلو و
آفتاب که با تذکرات مشفقانه به آنها کمک می کنند را دوست بدارند.

در این چون در خط میهای سیاسی عده ای متعلق به دو جناح و دو فریب
کار و خود دارند که همواره بر وفق مراد حاکمان سخن می گویند و همه امور را عاری
وی مشکل جلوه می دهند. مولانا (ره) در این باره به مالک اشتر چنین توصیه می کند.
و آن کس را برادران و برتری که سخن بگوید حق را به تو بیستی بگیرد، و در آنچه
گفتی یا گویی - افرادی که سخنان حق را بگویند و حق را بگویند این کبریا است
بلای و زندگی - برای پیدار گری مایه ها

آنچه مدیران و مسئولان و دولتمردان را به لغزشها و ای دل در دسائلی و دنیا پرستی
آفتاب است و وابستگی به افراد، اغراض و رده ها - به ثروت مقام - شهرت - افراد را
به هیچ فضااحت و ذلک می کشد. چرا که مدیران در مقابل رضا فام فکر می آیند
که رضای حال، اولویت است؛ پس چه از حای خواهی؟ - گفته بود می خواهیم توانایی
و ارستی و کارایی را از لای راست.

لغزشهای اخلاقی مدیران

۱۰) ریاست طلبی :

یکی از بدترین و زیان بارترین آفات حکومت سیاست، ریاست طلبی است
اصولاً، ریاست و فرمانروایی، استعداد و زمینه بسیاری برای جذب افراد و
به اغراض که نه آنان دارند. آنرا ریاست طلبی و فروعیت درون ما رشد کرد
موجب هلاکت و نابودی این دین و احوال می شود. خواهی چه
رسول اکرم (ص) آن کس که دوست دارد در میان مردم و اهل خود استیلا، بیستند
چنانکه او آتش است.

هزار شد که عمر سعد به ایران آمده و استندار ایران آن روز باشد ولی قضیه کرد با
 پیش آمد، عمر سعد عازم ایران بود. در شورای که این زیارتش کس داده بود به او
 گفتند: عمر سعد می تراند آتش را که لاله عین را برافروخته خاموش کند
 لذا او را خواست و مأموریت داد به کردی و دو کار لاله عین را تمام کند و بعد
 به ری برود.

اما او وحشت کرد که کشتن لاله معصوم کار ساده ای نیست، اما خدا نکرده حب
 ریاست بر انسان غلبه پیدا کند و سلطان برادر مسلط شود. تا صیغ فکر نکرد عقل
 و غریزه ریاست طلبی، عقل می ترسد و ترس - اما ریاست طلبی اثر می گوید بر ... سی و راهی
 مانده بود ^{همین} رضای خدا - یا رضای خلق: **رفت به سمت همین**
ریاست طلبی و تقاضای همین و بدعتی و غضب خدا را برابر خواست خرید.

(۲) خواب طلحه و زبیر را شب ریاست طلبی بودند - آنها کارنام درختی در باب
 مجاهدت در راه اسلام داشتند و سالها در رکاب پیامبر (ص) و علی (ع) شمشیر
 زده بودند. اما **حبر ریاست طلبی** باعث شد که **عهد و پیمان را با رسول الله (ص)**
و عاقبتش بشکنند. و با عاریت حبس علی را و دارند و خون هزاران نفر را بریزند.

(۳) **را کبیر**

یکی از صفات زیست و ناسند اخلاقی که ثغور آن بدست در مسئولان و سرمای
 داران و افرادی که دارای ثروت و دلالی قدرت هستند زیاد و بسیار است، غرور و
 تکبر و خور بینی و خود برتری است. که از صفاتی که طبق روایات باعث نابودی
 انسان خواهد شد و او را به ذلت و خواری خواهد کشاند. به دیگر صفات برای همان
 و دوله دران نظام سیاسی فخر و غرور و تکبر و خور بینی است.

تواضع صفت اولیای الهی و ائمه اعدا و جوانمردان در اوج تواضع و فروتنی
 باید با مردم و رعیت برخورد کرد. **ائمه دین با بالائی ارجع تواضع و فروتنی را دانستند**
(امامان) فخر و تکبر را این صفات والیان و شاهان و فرودانند.

در دیده مردم با **زیست کرنی صفت والیان** این است که خواهند مردم
 آنان را دوستدار بزرگ منشی بنمایند - خواهان سازش شدن کنند.

استغفار شریف و با ظرفیت هرگز فرقیه است و مقامهای دنیوی نمی شوند و
هر چند منزلت یا بند مانند کوهی که در برابر کذبها و طواغیان بنی جنبه وی (افراد)
است و بی ظرفیت با کمترین مقام و موقعیت به شادی و غرور مبتلا نمی شوند، مانند
کلبه ای که که رنسیسی او را به حرکت در می آورد.

راهکارانی است که بدانیم عطا کبریایی خداوند در اوج است و در محض او
جایی برای بزرگی گران بجای تکبر و غرور وجود ندارد. زیرا توانی انسان اختیار
تنفس خود را نداری، یک دل درد، یک سردرد، یک دندان درد، یک یا درد،
یک بیماری ترا زمینگیر می کند.

و اینکه، حکومت و مقام و موقعیت آنرا برای خدمت به مردم است و اگر بخواهد خود را
است که با هیچ کس ~~هیچ~~ تشکی به محبت سر نگیرد، گذراست و امروز از آن
توسعه فردا مال دیگری است.

و تکبریم عاقبت متکبری عالم را که اکنون در سل و خوار شدند (خداوند عالم)
به مالک استر می نویسد: این قدری که از آن بر خور داری ما تکبری در تو دیده آمد
و خود را بزرگ شمردی، بزرگی حکومت در خود را بر آن بر گزاشت و قدری
که تو را در مقابل قدرت خداوند ~~چیز~~ نیست این کار سرکشی و کبرانی خواهد بود
و غیر در فتنه است راه های خود را بزرگی گردانند.

مسئولیت بر است فقط: پس مسئول است و او را توان بر داشتن آن را
نداری زمین بگذارد، اگر غرور و تکبر است را ظرفیت و عاقبت و نادانی است
آنگاه رفته است. این باید بزرگ واقع، بنام به خوار می بندد، که آخارش زلف ای بود.
است و عیان نش مردار، - (۳) خود داری و استبداد (تقسیم داری)

یکی از لغزشهای مدیران و مسئولان و حاکمان، استبداد در تقسیم نیروها
خداوند ببارک و تعالی: بر بیابانهای با آن همه عطا و بزرگی و دستور، مشورت
با افراد جامع اسلامی می دهد، و امر هم هوای می دهد، با افراد جامع
اسلامی به مشورت می پردازد.

چرا که اولاً به آفتاب و فکرشان احترام گذاشتی ثانیاً در این صورت عقل ها و
خرد جمعی بر فرمی کند و یک تصمیم سازنده از آن خارج می شود.
مشارکت دادن افراد و عقول آفتاب و تجارب آنها و اندیشه های آنان

در کشور مجاریات
بسیار با آنکه همه عفت دارند و در اوج عفت در اوج عقلانیت با اقامت شور می شود
و تفکر خواص مردمی است. مشورت با مردم یعنی شخصیت دادن به آنان -
همه تقویت روحیه همکاری و همیاری اجتماعی - اجمالا نیکو و مفالیت و مشارکت
عمومی و تقسیم قدرت میان همه.

**حولات (آ) می و ما نیز، خود کامه خود را می، نابوری شود و صورت کننده
بار خیران در عقل آنان شریک می شود.**

مشورت سرچشمه هدايت است، و تکیه گاهی مانند مشورت و خود ندادن.
مشورت اندیشه های صحیح و نیکوان را برایت به ارمغان می آورد.
مشورت دهی مردم به حکامای می تواند از انبهار مشارکت سیاسی در عرصه
اجتماعی ببارد.

اخلاق مناظره و گفتگوی علمی

خداوند در آنگاه که به اخلاق مناظره یا حبال احسن اشاره کرده است که در سوره
نحل آمده است. «مجادله و مناظره همدیگه می افتد که حبال احسن
باشد، حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی در آن باشد و از هر طرف
تو همتی و تحقیر و خلافتی خالی باشد» **یا در سوره زمر** بار دیگر به آن اشاره
می کند به سخن ها گوش فرای دهی ولی بهتری آنها را بری از بیند تا اینان کسانی
هستند که خداوند هدايت کرد و آنها صاحبان عقل و خرد هستند.

**و یا می آید و ادب الی الی مناظره و گفتگوهای علمی و سیاسی و دینی حمایت می کردند
خود را بسایه و ادب الی الی بنا گذارند. گفتگو بر اساس منطق و استدلال بپردازند.**
همانند تبارک و تعالی در مورد امر نیش انسان ها با ملائکه گفتگو می کنند که
آنها می گفت می کشد چرا اینهای خلق شود که در زمین فساد و بیابانی براه
بستارزند - خلدند - می خیزند و می دانم که شما مژگانید

اشنا می‌گردد و منزلتی را بداند که آن در دست ربیب شود و حکمت تعلیمات الهی را
فکر کند: می‌رسد به جایی که جز خدا نبیند. ای ملائکه در میان اشیای
می‌آیند: خلل خدا کلیم خدا، حبیب خدا، لیدر عالمین...
جایی را که در کمال دارد. **که شیطان سر و پیهی کرد و مخرف کرد و راند.**
گفتگوی خداوند با ملائکه از نوعی گفتگوهای ارشادی، تعلیمی و هدایت‌گرانه است.
در منطق: جبرهان - حیل - خطاب - شعر و مغالطه.

دلیل (دلائل منظره)

در مناظره و گفتگو حقایق کشف می‌شود و منطق صحیح و ارزشمند ظهور می‌کند.
اشخاص با گفتگو مناظرات نگاه‌هاشان عمیق می‌شود. به مطالعات می‌پردازند.
افکار روانه می‌شود و پدید می‌آید. اما باید اخلاق رعایت شود. مناظرات علمی،
سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، عقایدی همه ارزشمند و آثار و برکات زیادی
دارند. **حضرت علی (ع) با غرور و مناظره می‌کند و آنها را محکوم می‌کند: و صبح**
می‌بینند - تبر بوردی دوش بزرگ است و همه آنها شکسته شده اند و محمد بن
کاراوست - حفره آمد و بگو گفتند چرا این کار را کردی؟ گفت فرمود: از بزرگ
پرسید، مسخعات بیت نمی‌تواند سخت بگوید، حفره می‌خواهد آنها را به خود
آورد و آن را شکسته و بداند از بیت کاری بی‌نماید. ۱۰ فکرم و موعود

در سوره قمر ۲۵۸

هنگامی که حفره از ابراهیم با غرور مناظره و گفتگو می‌کند فرمود: خدای من آن کسی است
که زنده می‌کند و می‌میراند، او گشت من سر زنده می‌کنم و می‌میرانم دستور را در زندان را حاضر
کردند و زبان آن را به یکی را داد و دیگر را دستور قتل می‌دادند. حفره از ابراهیم فرمود و خندید
خود را از افق مشرق می‌آورد آن را برآورد و می‌گوید که مغرب بسیار
اینجا بود و تحمل نکرد و حفره را دستور داد که آن را بزند و **کشتن یک قمر**
آزادی زنده = زنده کردن و می‌میراند: معالجات.
مناظره در باره مسئله و موضوع خاصی رخ می‌دهد. باید سودمند باشد و به حاشیه
را نهد و خود را تلافی و هت کند و حقیقت مأله کشف شود.

مولوی در مضمون هفتوی جریانی را می آورد: راست و گفتگوی چهار نفر که یکی فارسی زبان است - آذری زبان - عرب زبان - رومی ما مقدار اندکی بول که فقد خیرین میوه داشتند بر لب گفت: (انگور خرم، رنگری خنری بنام عنب - ازوم - استاقیل به سطره کشید کارستان: سطره بهجورده ای است: آدم حکمی آمد و موضوع را معلوم کرد که به بهجورده مبارک می کشید.

گفتگوی مأمون با فرزنی که ظاهراً دزد است
فرز سرش دادند که شحفی از خویان دزدی کرده است - وقتی او را آوردند دیدیم آثار عبادت و بندگی در او کجا راست. چرا دزدی کردی؟ گفت از روی ضرورت و حاجاری بوده است و تو حقم را از بیت المال نداری.

گفت تو چه حق داری بر بیت المال: **ایه تراک را آورد که ضلوه جنس را بر آتش قسم کشید**
۱/ عذلهو بیامر عثمان - مکینل - واه ندکان ... گفت: من این سبیل و

در راه مانده هستم چرا حقم را ندادی؟ مأمون آسمان اجرائی خود را می کشید: آسمان گفت اول باید خودت را با اجرائی خود پاک کن بعد دیگران = اول باید تو: مأمون گفت چرا؟ گفت و رو کردیم آما (با هر صافه) این چه می کردی؟ لما فرمود: می توید دزدی در برابر فرزنی -

تو دزدی کردی، من هم دزدی کردم. مأمون خیلی عصبانی شد و گفت: به خدا دوست را به خاطر دزدی جدا می کنم: مستمند گفت: آیا چنین کاری می کنی، با این که علامه بردارده من هستی؟ واد مأمون بلیه وای بر تو از ی من برده تو سر دم

گفت: مادرت را از اموال من نال خنریه اند، شب برای تو برده هم صلا می هستی، تو سرا آزاد کنده و من سرا آزاد می کنم: **تو جنس و بیت المال را**
چیا ول کردی و حق خاندان رسالت را نداری و حق من و امثال من را نداری و

شحفی میگوید که ما نایاکی مثل خود را پاک می سازد. کسی که حدیر گردنش هست، بر رنگری حد حاجاری میز کند. **۲/ مأمون دوباره متوجه مبارک صافه (پ) شد**

و گفت نفرسی زبان باره چیست؟ حضرت از مستمند دفاع کرد و مأمون راه حکیم کرد. مأمون فرزند را آزاد کرد. (ص ص ۹۹ و ۱۰۰) - صراحت

۳/ گفتگو سطره عبدالمنعم بابک و هادی

روزی بابکی از دوستانم در باره مذهب تسبیح صحبت می کردیم که

حوان و هابی آمد و با مهارت خاصی علیه فرق اسلامی را به جز
وهابیت متهم به کفر کرد و رو به من کرد و از من هم پرسید چه میدانی
از شیعیان؟ بر آن سفت و حالت نا آرامی در وجودش آشکار شد
و با او شروع به مناظره کردم. بحث در باره توحید بود. از او پرسیدم: نظر
تو بر باره خداوند آنزید یا نه؟ و صفات او چیست؟ گفت مایه تویم
لا اله - - - و عدل لا شریک له! گفتم: آیا دو مسلمان را پیدا کرده ای که
در این امر با یکدیگر مخالفت کنند؟ گفت: همه اینها دعا را دارند ولی عملشان
خلاف گفتارشان می باشد. و گفت مردم به این علت مشرکند که به مردگان توسل
جستار و برای غیر خدا خضوع و تعظیم می کنند. گفتم: در باره کارهایی مانند توسل
و غیر آن مشهور اولیای خدا و احترام به آنها نباید کسی را مشرک بشمارد
اولاً معنای عبارت: اظهار کوهی در برابر کسی که معتقدیم او مستقل در کار خود
بوده و نیازی به غیر ندارد - خالق و مالک هستی است - به مجرد احترام کردن و خضوع
این عبارت نیست. خداوند در قرآن از ما میخواست در برابر او الهی و شبان و توسل
خضوع و احترام کنیم - تا به فرشتگان دستور داد تا بر آدم سجده کنند - فرشتگان
مکمل پیدا کردند: عبارت: اعتقاد به خدای همه کاهه عالم است. خداوند بندگان
خاصی دارد که احترام آنها واجب است: عبارت محضه خداست
خداوند در قرآن می فرماید: سوره مائده: ای کسانی که ایمان آورده اید: از خدا بترسید و
جای آمدن به سمت خدا با وسیله نیاید - - - توسل - آبرویشان در کارگاه
خدا و بیا بروا اهل بیت گفتند: احترام کردن و توسل بندگان الهی شرک غیر بالله
در مناظره هدف روشنگری است و منجم مؤمنی است باید هر چه صراحت بیان
در کار باشد - به گفته های طرف مقابل خوب گوش بدهیم حکیمان معنی
نابینیم - استدلال طلی و حق محوری در کار باشد ملائمت و آرامش
در مناظره از روی هواهای نفسانی سخن گفتن نشود - - - خداوند بندگان
و تخریب نباشد - سینه جوئی و بی متعلقی در کار نباشد

در اخلاق محیط زیست

انسانها در محیطی که زندگی می کنند که از حیوانات، بوستان ها، فضاها،
سبز، صفت ها، حفره ها و رودخانه ها، ... اخلاقاً وظایفی بر دوش
دارد. آن در محیط زیست مادر مشکل شود و هرکس به سمت آلودگی
آن کمک کند چه اتفاقی رخ خواهد داد؛ طبق روایاتی که از اهل بیت
بنظر رسیده است و در آموزه های دینی آمده این است که از آلوده کردن محیط
زیست بخی شده و بی پاک سازی و آلوده نشدن سفارش های زیادی شده
است. اما مصادیق آن فرموده: **محیط زیستی خود را نظافت کنید و**
همانند پوریا نباشید.

حفظ و محاسبات محیط زیست

رسول اکرم (ص) فرمودند: خدا پاک است و پاک است و پاکیزه است و پاکیزه است
و پاکیزگی را دوست دارد، پس آستان زندگی خود را پاکیزه کنید.
رعایت طهارت و پاکیزگی در بدن، منزل، محل کار، مصیوبات، مجلس و مراکز
فرهنگ و عبادی، پارک ها، صفت ها - رعایت - مراقبت -
وجود مبارک آقا رسول الله فرمودند: این احد کوهی است که ما را دوست می دارد و
ما نیز او را دوست می داریم: این سخن اختصاص به کوه احمد ندارد و به این
معناست که همه کوه ها دوست ما هستند و ما هم دوست آنهایم **مهرت**
محیط زیست: باید از مواهب الهی خود بهره مند شویم.

محیط زیست: امانت الهی است و حفظ و آلودن نگران آن باید اهمیت
به هم. رسول خدا (ص) وقتی رزمندگان را به سوی جنگ می فرستاد به آنها
سفارش می کرد: هیز در هیزها ضرورت و ناچارای درختی را قطع نکنید. قطع کردن
درختان برای محیط زیست فوق العاده خسارت بار است.

و اما مصادیق آن فرموده: **سکونت در سرزمینی دلنشین است که هوای سالم،**
آبی فراوان و زمینی حاصلخیز و آماره گشت داشته باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کرده بشارت کار ناپروا از رحمت خدا بدورند

- ۱) کسی که مکان عمومی را میبایضا - کوزه ها، بوسن ها - را آلوده کند
- ۲) کسی که از آب (سجیه نبدی رنده) جلوگیری کند، یعنی نوبت رستن را رعایت نکند
- ۳) کسی که سده معبر کند و مانع عبور عابران شود.

تأثیر گناه در نابودی مصیبت زبست

حوادث عالم تا اندازه ای تابع اعمال و کردار انسانهاست، یعنی آثار آنها از خداوند اطاعت کنند و راه نیکوئی او را بیستایند، درهای رحمت الهی و بركات الهی بر روی آنان گشوده می شود. ولی اگر از راه نیکوئی خدا منحرف شده و در وادی گمراهی و آلودگی و گناه گام نهاده، در این حواله فساد بوجود می آید **و الله انفسا** و آلودگی همه حیا را می گیرد: **ظهور الفساد فی البر و الحیة بما کسبت انفس الناس** براهها و مصایب خانمان سوزی مانند سیل - زلزله - صاعقه به کفر کردار انسانها بر می خورد. چنان که در قرآن اطوفان عذاب را در - طوفان نوع - صاعقه عموماً - **اولم نذرت ان نابوا کرد**

حلیه گیری از آتش لغو و خاموش کردن آتش در حیل ها، مزیم ها - کارانه گندی است، اضرار را منجر رحمت الهی می کند:

آلوده نکردن آنها

برای مسلمانان سبب نیست که آب را که مایه حیات است و هر موجود زنده ای است را آلوده کند. مولایم فرمودند: آب ساکنی دارد، با دار و مدفوع آنها را نیاز دارید. احبای زمینهای موات: درختکاری - کاشتن - بکاربانی -

ایم صادق صلی الله علیه و آله و سلم: کشتن درختکاری کنید بخدا سوگند کاری خدای ترو پالیزه تر از آن نیست، درختکاری - انشور خرما - میرده ها -

ایجاد فضایی سبز در محله است انسان و سلامت مصیبت زبست هور با کند اولیوی الهی است

استفاده صحیح از دریاها و سواحل: آلوده نکردن دریا - نظافت میردها - احاکن عمومی - صرفه جویی در انرژی برق

یکی از مهم ترین نشانه های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه رونق مباحثات علمی و تضارب آرا و تبادل افکار است. اگر جامعه ای بخواهد برسد و بالندگی و پویایی بر سر بآید نقد و انتقادهای سازنده و دگرگشا و مناظره های احسن و اجدال (احسن) در آن مورد استقبال صاحبان اندیشه علمی رشته های مختلف باشد. جامعه مورد پسند اسلام، جامعه ای است که در آن علم و عالمان ارزش و منزلتی بی بدیل و بی نظیر داشته باشند و اندیشمندان و متفکران و محترمان و ثوابوران و فرزندان و قهرمانان فکری و فرهنگی مورد احترام فوق العاده قرار بگیرند. اگر غریزائی باشد باید به فکر ^{چاره} بود که چرا اهل علم و فرهنگ و اندیشه و متفکران و ثوابوران این وضعیت را دارند. یکی از راهبردها اصول و اخلاق نقد و مراجع گفتگوهای علمی و آزاری اندیشی صحیح که باعث پویایی جامعه علمی می شود را نهادینه کنیم. گفتگوها و مباحثات علمی و نقادی ها باید در فضایی آکنده از آرامش و مباحثات اصول اخلاقی و نقد عالمانه و مضافه همراه شود.

روش نقد و نقادی

مولای (ع) فرمودند: از گفتن حق یا رای دادن در عدالت باز نایستد. اول باید حق و عدالت را شناخت. باید دید که با چه سخن گفت و مراعات حق و عدالت را کرد به صرف بواج بازار نقد و نقادی در جامعه ما نمی توان سلامت علمی جامعه و دستاوردهای آن را هدف قرار داد. متفکر شهید مرحوم آقای مطهری یک عالم فرهیخته و فرزانه و زمان شناس و نقاد پورته ولی یک نقاد منصف و دگرگشای جامعه بودند و یک جامعه شناس خوب و اندیشمند بودند.

فقطیات مختلف را موشکافانه مورد بررسی قرار می‌داد و نهایت
سختن حق و حقیقت را بیان می‌کردند. یک آزاداندیش و یک
نقاد به معنای حقیقی کلمه بودند. و کاداب و اصول اخلاقی را در
نقدها رعایت می‌کرد.

مولای نه در حرمهای که حلیف سوم عثمان در رأس خلافت است
در نصیحت او و دادن راهکارها آن قدر کوشید، تا آنکه می‌دانست
مورد سوء ظن قرار می‌گیرد. و حضرت هفتش اصلاح روشهای حلیف
بود. چرا که بدعت‌ها و مفاسد زیاد شده بود.

۱. در نقد باید اصرار بر حقایق را داشت

و بیابان الهی اصلاح را آن حقیقی بشریت بود. ولی در رساندن پیام
در دربار خود اصرار و خیر خواه بودند. و در انتقاد از حاکمان
تاریک و ظالمانی نیست‌ها پاک و عقیده اصلاح گری داشتند.

إِنَّ أَرْبَكَ إِلَّا الْأَصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتَ. به جز اصلاح

اندازه توانایم نمی‌خواهم

اما راجل و سیاستمدار محمدی است. انتقاد برای ساختن، برای اصلاح
امور لازم است

(۲) باید حرمت حاکم اسلامی حفظ شود.

در اسلام باینده حق انتقاد و تحقیق در بررسی مردم نسبت به حاکمان پذیرفته
شده است. اما در عین حال از حفظ حرمت رهبران خلفت نشده
است.

۳. انتقاد در فضاهای مناسب

در نظام سیاسی اسلام، انتقاد سازنده برای اصلاح امور کشور ضروری
است ولی باید در فضای سالم و با انضباط خوب و
آرامش‌بخش بیان شود. و از سیاه نمایی‌ها و رهنمود

در تشرین نه تنها انتقاد از رهبران غیر معصوم جایز است بلکه یکی از حقوق رهبر بر مردم، لزوم دلسوزی و خیرخواهی برای او است باین حق تحت عنوان «النصیحة لأئمة المسلمین» بیان شده است

اما مواردی که فرموده «بهتری دوستان در نزد من کسب می اند که عیوب و نقایص من را به من بگویند» در حدیث آمده است
اما امام علیه السلام فرمودند: کسی که عیب تو را بگوید، بنمایاند، ترا خیرخواهی کرده است

پس نقد و انتقادها از نایبهای ما و مشکلات از وظایف دینی مردم و خبیبان و رؤسای بزرگان و فرزندان جامع است و مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. اما باید با راهکار و دلسوزی و مستدل و منطقی و در شرایط خاص باشد. و باعث همراهی افراد و اخراجات در جامعه گردد.

اصلاح جامعه چه فردی و چه اجتماعی، در سایه نقد و انتقادهای سازنده و ارزشمند امکان پذیر است. و در مباحث اخلاق نقد، به خصلت نقد پذیری به عنوان یک روحیه بالا و رشد پذیری جامعه باید نگاه کرد و مواردی مانند مدح و علق کبری و ستایشهای بی جا از رشد جامعه و اصلاح آن جلوگیری خواهد کرد.

مواردی که فرمودند: نادان گری مردم کسی است که فریب ستایشگر چایلو و راجور را بخورد، ستای که زیست را در نظر زیبا جلوه دهد و خوبی را در نظر او منفور می سازد.

آنگاه جامعه ای افرادی فقط به ستای و چایلو و مصلحت گری ها امکان پیدا کنند و جای لزوم مدارا هم خوششان آید، اصلاح در آن جامعه امکان پذیر نخواهد بود و به بسا انتقادهای سازنده هم معلوم نیست شود.

مولا علی (ع) فرمودند: از فروغ واعظ و نیر دهنده ای به خود نینداز (است)
 روئینای بر نیرید و نصیحت نصیحتگر بیدار را نذر آبشید.
 بهترین نقد ها و تذکرات و انتقادات سازنده، خودیابی، صمیمی بدون
 هتک حرمت و حیثیت در جامعه برای رشد و اصلاحات ضروری است
 اما انتقاداتی که از روی خیرخواهی و قصد اصلاحات نباشد و هدف غراب
 کردن وجهه ها و تحریب افراد و از روی عرض و زری و کینه ها و جاهت ها
 حزبی و قوی و قبیلہ ای باشد و هدف تسویه حساب های خبیثی
 است نبرتنی ضربه را به جامعه وارد خواهد کرد.

نقد در هنر، مانند آئینه علوی ماسین است. راننده هنرمند و گناه باید
 به کمک آن مواظب پشت سرش باشد، ولی یکسره نباید در آن نلایه
 کند، چرا که در این صورت، انحراف از حاکم و خطر تصادف را در پی خواهد
 داشت. هنر، هوا به است، هنرمند، خلبان آن و منتقدی، خدغه پرواز.
 چرا نقد؟

عزیز، مثل سوراخ پنجهان در بدن کشتی، ماسور غری کردن تدریجی آن
 خواهد بود.
 شاعری، هنرمندی، خلبانی، مسئولی، حاکمی وقتی از نقد و انتقاداتی سازنده،
 حالتش به هم می خورد و طوفانی شود، مثل هوا بهایی است که ارتباطش
 با برج مراقبت قطع شده است.
 تباری، نقد ندری، در مسائل اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، و مدیریتی ضمن
 سرعت رابطه ها و رشد افکار و اعمال است، و جامعه را به سمت
 اصلاح امور و دیدن عیوب و درصدد رفع آنها برآمده است.

اخلاق پژوهش ① اهمیت و جایگاه ص ۱۱

اهمیت پژوهش و تحقق مطالب علمی بر کسی پوشیده نیست، زیرا یکی از اهداف اصلی نظام های آموزشی در هر جامعه ای، پرورش خودشناسان و محققان و تولید کار ارزشمند است.

اگرچه همای بتواند افراد با استعداد را در این رشته شناسایی کرده و به آنها کمک دهد و در خدمت جامعه قرار دهد، رشد علمی آن جامعه بالا خواهد رفت یا پژوهش و تحقق است که درخت دانش جان نرفته، رشد کرده و میوه می کند. به طور کلی، پیشرفت های مادی و معنوی جوامع انسانی، مدیون پژوهش و تحقیق های خوب و کارآمد و ارزشمند می باشد.

رسول الله (ص) فرمودند: هر کسی از دنیا برود کارنامه عمل او هم به خواهرش می رسد، مگر سه طایفه از افراد جامعه که کارنامه عملی نداشته باشند: (۱) افرادی که صدقه جاریه بجا نمی گذارند (۲) افرادی که کتب علمی و سوره ها بجا نمی گذارند (۳) افرادی که فرزندان صالح و شایسته بجا نمی گذارند.

صدقه جاریه، مانند عمارت مدارس، عیینه ها، چاه ها، نخلستان ها و ... است اما کتب علمی سوره ها، یعنی فردی عمری در راه پیشرفت علمی جامعه قلم بند گرفته و به مقتضیات زمان کتاب سودمند نوشته است؛ مانند مرحوم آقای مظهری، مرحوم آقای دستغیب، مرحوم آقای دکتر حسینی، در هر رشته ای قلم زده و آن آثار ماندگار شده اند.

② تصحیح انذار و نیت

زمانی تحقیقات علمی و نوشته های ما معنادار و مفید به حال خود و جامعه خواهد بود که با انذار و نیت الهی و درست صورت گیرد و اگر نه اثر به خاطر شهرت و کسب ثروت و امثال آن باشد، ممکن است زبانی باشد که بار کند، ولی در راستای زندگی حقیقی ما نیست.

در روایات ما به این مسائل خیلی اهمیت داده شده است.
 که انچه درین فرمودند: **نیت مومن از عمل او بهتر و از شمنندگراست.**
 هر کاری اگر به قصد قربت و رضا و عشق و خلود انجام گیرد اگر خدا
 در حفظت عالیا قرار چون نیت و آئینزه حضرت ابا عبد - (ع) الهی بود
 و رتبه و بوی عذای راست ماندگار شد. همه حرکت و معاشرت های آن
 بزرگوار برای اعیای اسلام و از شهرهای الهی بود. در حدیث حاج شیخ عباس می
 صاحب معانی اکنان چون در نوشتن این کتاب قصد قربت کرد، این
 کتاب در کتب قرآن ماندگار شد. در حدیث آقای معمری و آقای گلشنی رفیق
 و حریت آنها و نوشتن آنها الهی بود ماندگار شد. قیام حضرت امام
 خمینی چون به قصد قربت و اعیای اسلام ناب محمدی بود و در این ماندگار
 شد.

۲ آشنایی با روش پژوهش و تحقیق

انسانهای خردمند و آگاه و بصیر وقتی به پژوهش و تحقیق می پردازند و در
 این بار مطالب علمی و سودمند را جمع آوری می کنند، هر چند این پژوهش جدید
 و نوآور و از شمنند است، ولی نتیجه و محصول زحمات خود را از دستندان
 می رساند. **بگوید من از در این پژوهش علمی و نوآور موفق شدم به خاطر این بود**
که پژوهشهای بزرگان را مطالعه کردم و از آنها هم بهره گرفتم و مدیون
زحمات دستندان این رشته هستم.

۳ گزینش مسائل (موضوع)

در هر تحقیقی یکی از مهمترین نام ها و مراحل مقدماتی، موضوع تحقیق
 و پژوهش است، زیرا انتخاب آن از هکای بنیادی برای مراحل
 کار تحقیقی به شمار می رود.

اولاً موضوع جدید و کارآمد و به روز باشد، ثانیاً باید بر دانش مطالبات خود بیفزاییم، ثالثاً باین موضوع و تحقیق و زحمت علمی بتوانیم گروهی از مشکلات جامعه خود را برطرف کنیم. مثال: در پزشکی، در معماری، در طراحی‌ها، در ساختن سازه‌ها، در مسایل دینی و معارف و علوم انسانی. — — —

آقای معلومی به حجاب و مسئله آن در درویشی می‌پردازد که نیاز جامعه بود و به تعلیم و تربیت در اسلام و امراض و غیبه‌های دینی در زندگی بشری می‌پردازد که نیاز علمی جامعه هم هست.

(۴) سهولت در پژوهش

یکی از مهمترین کارهای امر پژوهش علمی و ارزشمند سهولت داشتن در آن است. یعنی، ظرفیت‌ها و توانمندیهای خود بشمارد و کارها را کوچک بشمارد. و از طرف دیگر، مشکلات و موانع احتمالی مانع حرکت و تلاش جنگی نماند و در این باب نشود.

اولی دین به ما سفارش کرده که از انجام کارهای بزرگ ترس و واهی به خود راه ندهید. اما کارهای بزرگ را چگونه از کاری ترسیدی خود را در آن بیفکنی، زیرا سختی خود را در آن بزرگتر است از آنچه از آن ترس داری. با خردی راسخ و توکل بر خدا شروع به کار کنیم و از موانع و مشکلات آن بهراسیم. زیرا محتمل است به مزاج عده‌ای هم خوش نیاید و از گذر و قطع آن‌ها دلهره نداشته باشیم.

میر حسن حسینی هیکل، نویسنده نامدار مصری، در کتاب مشهور خود حیات محمد (ص) ج ۱، یونان را در آنکه به ماجرای اعلان عقیقه پیامبر را در آن بیان می‌کند که حضرت محمد (ص) در جمع بزرگان مکه، مولایان را به عنوان ولی و خلیفه برگزید و پس از خود مقرر کرد. خلی‌ها امراض و عیالهای گوناگونی را به خود سپرد و روحی و روانی قرار دادند تا از این موضوع صرف نظر کنند و هدف کنند.

هو ص ۷۱

اما او در نهایت مهم و مقوم است و ولی در آخر کلام را حذف کرد. **سَهْمَت را ندانست**، چون از تهدیدهای اهل سنت گریزد. اما آقای صفیری در کتاب عیال سه عینی نهایت سَهْمَت را به خرج داد و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نترسید و حتی به علما و روضه خوانانها و مداح ها گوشزد کرد که مراقب باشند و هر چیزی را که مستند نمی باشد برای جریان عالیه را نخوانند و نگویند.

(۵) امانت داری

یکی از مهم ترین کارهای علمی، پژوهشی و تحقیقاتی، امانت داری است چرا که عدم امانت داری باعث فروپاشی نظام اجتماعی و علمی می شود. چرا که پایه و اساس زندگی اجتماعی اعتماد است و به تدریج است و اگر به واسطه حیانت های مکرر این اعتماد از دست برود در نتیجه جامعه دچار هرج و مرج و بی ثباتی خواهد شد. و همه یکدیگر را به چشم خائن می بینند.

امانت داری در پژوهش و تحقیقات علمی و مقالات و پایان نامه ها و کتابها رکن اساسی و حیاتی یک جامعه علمی است.

هر نویسنده ای اخلاقاً موظف است، منابع و مآخذ موضوعات علمی را از هر فرعی نقلی کند یا از هر کتابی مدیست آورده، دقیقاً ذکر کند آنرا در پژوهش ها و تحقیقات علمی و تألیفات امانت داری رعایت نمود، آن اثر را به ارزش خواهد بود.

مردم آقا و معظری ندانند او را به نامزد و بارانش محسور کند؛ **حقیقت** **کلمه های علمی و اندیشه دانا را افکار دانا - و در پاورقی ها و در منابع هم کتاب و مطالبی را که از دیگران آورده دقیق ذکر می کند، یا همه نویسندگان اندیشه دانا را خود را نویسنده را اعلام می دهند**